

فرهنگنامه زنان ایرانی و پارسی کوی

از آغاز تا مشروط

محمد حسینی (روانی)

سروش

تهران ۱۳۹۴

شماره ترتیب انتشار: ۱۶۹۵

سرشناسه: رجیبی، محمدحسین، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگنامه زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه / محمدحسین رجیبی (دوانی).

مشخصات نشر: تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۴۰۲ ص.

شابک: 978-964-12-0974-4

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه:

موضوع: زنان ایرانی -- سرگذشت‌نامه:

موضوع: مشاهیر -- ایران -- سرگذشت‌نامه:

شناسه افزوده: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش

رده‌بندی کنگره: صداوسیما ۱۳۹۴ ۴۸۳/۱۱۲۳ HQ

رده‌بندی دیویی: صداوسیما ۹۲۰/۷۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۹۴۲۷۵۴



انتشارات صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفخم، حتماً سروش

مرکز پخش: ۸-۸۸۳۴۵۰۶۶ / سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۵۳۵۶ / www.soroushpublishingco.ir

عنوان: فرهنگنامه زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطه

نویسنده: محمدحسین رجیبی (دوانی)

ویراستار: سیما آبی

صفحه‌آرا: پریرسا رجیبی مؤید

چاپ اول: ۱۳۹۴ / قیمت: ۲۱۰/۰۰۰ ریال

این کتاب در پانصد نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد.

همه حقوق محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۲-۰۹۷۴-۴

پیشگفتار ویرایش دوم

ویرایش دوم کتاب با باری خداوند متعال، بیست سال پس از انتشار ویرایش اول منتشر می‌شود. در ویرایش جدید تصمیم داشتم اغلاط ویرایش اول را برطرف کرده، برخی شرح‌حال‌ها را تفصیل داده و تکمیل کنم؛ اما در جریان بار در انجم که چون کتاب‌های مرجع و غیرمرجع قابل توجهی در دو دهه اخیر انتشار یافته، لذا ضرورت دارد که علاوه بر تکمیل اطلاعات گذشته، شرح‌حال زنانی هم که در منابع جدید آمده، به مجموعه قبلی افزوده شود. بدین ترتیب، تعداد زندگینامه‌ها از ۵۹۲ عدد به بیش از ۹۰۰ عدد افزایش یافت و تقریباً شامل زندگینامه‌های بانوان نامدار تاریخ ایران از دوره مادها تا آغاز مشروطیت گردید و از اینرو عنوان آن از *مشیرالزنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطیت*، به *فرهنگ‌نامه زنان ایرانی و پارسی‌گوی از آغاز تا مشروطیت*، تغییر یافت.

چنان‌که خوانندگان عزیز ملاحظه خواهند کرد، نگارنده کسبیده است تا شرح‌حال مختصر ولی موثق و نسبتاً جامعی از بانوان نام‌آور فرهنگ ایرانی در این کتاب دست دهد؛ بدین منظور، در نگارش آنها از صدها کتاب فارسی و غیرفارسی استفاده کرده است. در مواردی هم که شرح‌حال‌های موثق و معتبری در برخی کتاب‌های دانشنامه‌ای یا غیر دانشنامه‌ای یافت نشد، نگارنده ترجیح داد از تألیف مجدد خودداری کرده و از همان‌ها عیناً یا با ویرایش و تلخیص و با ذکر مأخذ، استفاده کند؛ هرچند که نیک می‌داند ممکن است از نظر بسیاری از دانشنامه‌نگاران، مقالات تک‌مأخذی، وجهات و وزانت لازم را نداشته باشد؛ اما نگارنده با عنایت کامل به این مطلب، هیچگاه نتوانست خود را متقاعد سازد تا صرفاً به‌منظور موجه جلوه دادن نوشته خویش، نوشته‌های وزین دیگران را با ویرایش مختصر و تغییر در عبارات و بدون ذکر مأخذ اصلی، در این کتاب بیاورد؛ زیرا آن را خلاف اخلاق حرفه‌ای و نوعی سرقت علمی می‌داند که متأسفانه این روزها به‌صورت جلوه‌ای از فضل‌فروشی، در کشورمان رایج است. متقابلاً انتظار دارد که سایر نویسندگان نیز همین رویه را با دیگران، و از جمله نگارنده، در پیش گیرند.

پس از انتشار ویرایش اول این اثر، به سبب انتقادهای تند دو تن از نویسندگان جراید (یکی با نام واقعی و دیگری با نام مستعار)، متأسفانه کتاب قبول عام نیافت. وجه اشتراک آن دو (گذشته از اغراض سیاسی و شخصی)، بی اطلاعی از روش تذکره نویسی قدما و دانشنامه نگاری معاصران، و نیز - به سهو یا عمد - یکسان جلوه دادن معنای «مشاهیر» و «مفاخر» بود، و حال آنکه در پیشگفتار ویرایش اول کتاب، به این نکته بدیهی به صراحت اشاره شده بود که در انتخاب شرح حالها «هیچگونه گلچینی صورت نگرفته است و زندگینامه زنان به شیوه توصیفی - همانند شیوه متداول دایرةالمعارفها و زندگینامهها - و تا حد امکان، براساس منابع اصلی و معتبر تاریخی به اختصار آمده است.» (ص سیزده). تنی چند از خوانندگان هم به طرق مختلف، از جمله ارسال نامه به نگارنده، ابراز لطف کردند؛ از جمله آقای هانیبال گورگی، که شرح حال سارا اوشانا را برای نگارنده فرستادند که ضمن تشکر از ایشان، با ویرایش مختصری در این کتاب آمده است.

* * *

اصول و ضوابط جاری در این ویرایش، همانند ویرایش گذشته است. در پایان کتاب حاضر، پیوستی هم آمده که حاوی اطلاعات مختصر از مآکنی است که به نام بانوان نامگذاری شده است؛ همچون آرامگاهها، امامزادهها، زیارتگاهها، بازارها، برجها، بقعهها، پلها، تکیهها، حمامها، گنبدها، مدارس، و مساجد. چون وجه انتساب این اماکن به آنان، بیانگر وجود توان شاخصی بوده که در زمان خود شهرت داشته یا بعد از مرگ اشتها یافته اند اما از زندگی آنان اطلاعات روشنی در دست نیست، لذا این اماکن خود مستقلاً مدخل شده اند. البته محتمل است که برخی از مدفونان یا بانیان این مآکن، زنانی باشند که شرح حالشان در همین کتاب آمده، که در این صورت به آنان اشاره شده است.

در جریان پژوهش، نام و نشان صدها نفر از بانوان نیکوکار و رافق در منابع و اسناد تاریخی یافت شد که شرح حال آنها خود، زندگینامه جداگانه ای می طلبد؛ از این رو، تنها نمایی از آنها در این کتاب آمده است.

در برخی از منابع مورد استفاده، اغلاط قابل توجهی وجود داشت که اصلاح گردیدند؛ با وجود این، چند کلمه نامفهوم همچنان باقی ماندند که به سبب دسترسی نداشتن به اصل منابع، به همان صورت و با علامت «؟» مشخص شده اند. وزن تعدادی از ابیات شعری هم درست نبود که با مراجعه به چاپهای دیگر اصلاح شدند، اما چند بیتي که در همه چاپها یکسان درج شده بود، ناگزیر به همان صورت آمده است.

در پایان، از مدیران و کارمندان ارجمند کتابخانه های شماره ۱ و ۲ مجلس شورای اسلامی و کتابخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که در طول تحقیق، همکاری صمیمانه ای با اینجانب داشتند، و نیز از

خانم‌ها: الهام روستا جهرمی و سعیده ایمانی که تایپ کتاب، و نیز خانم مهدیه قدیمی که تنظیم الفبایی نهایی، و خانم سیما آبی که ویرایش آن را انجام دادند، سپاسگزاری می‌کنم. از عموم خوانندگان عزیز هم تمنا دارم که نظرات انتقادی یا اصلاحی خود را به نشانی mh.rajabi@yahoo.com ارسال کنند تا در ویرایش بعد مورد استفاده قرار گیرد.

محمدحسن رجیبی (دوایی)

۱۸ بهمن ۱۳۹۳

www.ketab.ir

مقدمه

مسلمانان در برخورد با زندگی‌نامه زنان چهار شیوه مختلف داشته‌اند: نخست اینکه در زندگی‌نامه‌هایی که نوشته‌اند زنان را با مردان با هم آورده و برای آنان جایی ویژه در کتاب در نظر نگرفته‌اند. مثلاً ابن خلیکان در فرهنگ زندگی‌نامه‌ی وفیات الاعیان خود، که بر حسب حرف نخست نام صاحبان تراجم مرتب شده، هر جا که خواسته زندگی‌نامه‌ی زنی را در کتاب آورد، به حرف اول نام او توجه کرده و شرح حال وی را در جایی که لازم بود وارد است.

این روش را در بسیاری از فرهنگ‌های زندگی‌نامه‌ای دیگر، مانند لسان‌المیزان، فوات‌الوفیات، معجم‌الادباء، و الاعلام خیرالدین زرکلی نیز می‌توان مشاهده کرد. نویسندگانی که زندگی‌نامه‌ها را زیر وفیات هر سال آورده‌اند نیز میان زنان و مردان فرقی نداشته‌اند. در زندگی‌نامه‌هایی چون شذرات‌الذهب و المنیر الکامنه در شرح احوال درگذشتگان هر سال، شرح احوال زنان در کنار مردان آمده است. اما برخی از نویسندگان در فرهنگ‌های زندگی‌نامه‌ای خود، شرح احوال زنان را در بخش جداگانه و غالباً در پایان کتاب آورده‌اند. کهن‌ترین کتابی که در آن از این روش پیروی شده، الکامل فی التنبیه نوشته ابن سعد زهری است که یک جلد آن به شرح زندگی زنان صحابی اختصاص یافته است. این روش در کتاب‌هایی چون الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، نوشته ابن عبد البر، که زندگی‌نامه ۳۹۴ زن صحابی در آن آمده، الاصابه فی تمییز الصحابه، تألیف ابن حجر عسقلانی، که دارای ۱۵۵۲ زندگی‌نامه زنان است، و أسد الغابه نوشته ابن اثیر که شرح احوال ۱۰۲۱ زن صحابی را در بر دارد نیز رعایت شده است. اما این شیوه، تنها به کتب صحابی‌شناسی منحصر نمی‌شود و در برخی از زندگی‌نامه‌های عمومی مانند بغیة الملتبس، که تنها به شرح زندگانی یازده زن پرداخته، نیز زندگی‌نامه زنان جداگانه و در پایان کتاب آمده است.

در زندگی‌نامه‌های عمومی، برخلاف کتب صحابی‌شناسی، اگرچه به زنان نیز توجه شده است، اما شمار زندگی‌نامه‌های زنان در مقایسه با مردان همواره بسیار کمتر است؛ چنان‌که از ۷۸۳۱ زندگی‌نامه‌ای که در تاریخ بغداد آمده تنها ۳۲ زندگی‌نامه به زنان اختصاص دارد و بقیه از آن مردان است.

در بیشتر کتاب‌های شیعه نیز زندگینامه زنان جداگانه آمده است؛ مثلاً شیخ طوسی در کتاب الرجال پس از برشمردن اصحاب پیامبر (ص) یا هر یک از امامان (ع)، از شماری از اصحاب زن ایشان نیز یاد می‌کند؛ اما کتاب‌های دیگری چون کتاب الرجال نوشته ابن داود، جامع الترواة تألیف محمد بن علی اردبیلی، ریاض العلماء، نوشته میرزا عبدالله افندی و تنقیح المقال، نوشته مامقانی، زندگینامه زنان، در «باب النساء» در پایان کتاب آمده است.

از میان زندگینامه‌نویسان، کسانی نیز اگرچه برای زنان کتاب جداگانه‌ای پرداخته‌اند، تنها به زنان خاصی نظر داشته‌اند و تنها زندگینامه زنانی را در کتاب خود آورده‌اند که دارای ویژگی مشترک بوده‌اند؛ مثلاً، ابن عساکر، نوشته محمد بن عمران مرزبانی (۳۸۴ - ق) زندگینامه زنان شاعر و نمونه‌هایی از شعر ایشان است، و کتاب من روی من نساء آل ابی طالب، نوشته ابوالحسن علی بن محمد حداد عسکری، معروف به ابن ربویه، از زیدویه که اکنون به دست نمانده، زندگینامه زنانی از خاندان ابوطالب بوده که از ایشان حدیث روایت شده است، و اخبار زینب، نوشته یحیی عیبدلی عقیقی (۲۷۷ - ق) زندگینامه کسانی است که نامشان در کتاب آمده است.

آخرین دسته از فرهنگ‌های زندگینامه‌ای زنان، فرهنگ‌هایی هستند که زنان خاصی را در برنمی‌گیرند و در واقع زندگینامه‌هایی از این دست، زندگینامه‌ای عمومی زنان بدون در نظر گرفتن «طبقه» ایشان است. نوشتن زندگینامه‌های عمومی زنان در جهان عرب سازه نسبتاً دیرینه دارد. بنا بر نوشته حاجی خلیفه، ابوالمظفر محمد بن احمد ابیوردی (۵۷۷ - ق) کتابی تحت عنوان تاریخ النساء نوشته است ولی ابن خلکان در میان کتاب‌های ابیوردی، به این کتاب اشاره‌ای نکرده است. سخاوی نیز می‌نویسد که ابن عساکر (۴۹۹ - ۵۷۱ ق) کتابی به نام معجم النسوان و تاج الزینب بن علی بن انجب بغدادی (۵۹۳ - ۶۷۴ ق) کتابی با عنوان تاریخ النساء الخلفاء من الحرائر و الاماء تألیف کرده‌اند. کتاب اخبار النساء نیز منسوب به ابن قیم جوزیه (۷۵۱ - ق)، عالم دمشقی است که هنوز به دست نرسیده است.

در سده چهاردهم هجری زینب فواز، بانوی ادیب و زندگینامه‌نویس لبنانی تبار مصری (۱۳۳۲ - ۱۹۱۴م) کتابی به نام الدر المنثور فی طبقات ربات الخلدور در زندگینامه زنان نوشته است که از معتبرترین کتاب‌های زندگینامه‌ای زنان در جهان اسلام به شمار می‌رود. الدر المنثور که در یک جلد بزرگ نوشته شده بر حسب حروف الفباء مرتب گردیده و از شرح احوال آمنه بنت وهب مادر پیامبر اسلام (ص) آغاز می‌شود و با زندگینامه ولادة (۴۸۴ - ق)، دختر شاعر و ادب‌دوست مستکفی، خلیفه اموی اندلس پایان می‌گیرد. زندگینامه‌هایی که در این کتاب آمده تنها به زنان جهان اسلام محدود نیست، بلکه شرح زندگی زنان نامدار اروپایی چون ماری ترز، ملکه اتریش و ویکتوریا ملکه انگلیس نیز در آن آمده است.

از دیگر فرهنگنامه‌های زندگینامه‌ای زنان در جهان عرب *اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام*، نوشته عمر رضا کحّاله، زندگینامه‌نویس عراقی است. این کتاب تنها به شرح زندگی زنان جهان اسلام اختصاص دارد و مؤلف در پایان هر زندگینامه، منابعی را که از آنها بهره گرفته، آورده است. *اعلام النساء* نیز بر حسب حروف الفبا مرتب شده، اما بیشتر زندگینامه‌های مندرج در آن، کوتاه هستند و برای جزئیات بیشتر درباره صاحبان تراجم باید به منابعی که مؤلف داده است مراجعه کرد.



زندگینامه زنان در زبان فارسی. نوشتن زندگینامه زنان در زبان فارسی سابقه چندانی ندارد و تنها در دو سده اخیر است که این رشته از ادبیات در کشورهای فارسی‌زبان رونق گرفته است. شاید کهن‌ترین فرهنگ، زندگینامه‌ای زنان به فارسی، *جوهرالعجایب*، نوشته سلطان محمد فخری بن محمدامیر امیری هروی (ز ۹۶۳ ق)، از معاصران شاه طهماسب اول صفوی (۹۳۰ - ۹۸۴ ق) و مترجم تذکره *مجالس النقایس*، نوشته ابوالعلم شیرنوی از ترکی جغتایی به فارسی است. *جوهرالعجایب* که زندگینامه ۲۵ زن شاعر است، ترتیب تاریخ زندگی صاحبان تراجم تدوین شده و از مهستی آغاز می‌شود و به نسایی پایان می‌گیرد. تذکره *عرات* (تألیف حدود ۱۱۷۴ ق)، کتاب کوچکی است شامل زندگینامه حدود ۵۰ زن شاعر به ترتیب حروف الفبا و از تنها نسخه آن که در کتابخانه دانشگاه لاهور است، سه حرف (الف، ب، ی) از بین رفته و قسمت باقی مانده آن شامل ۳۹ زندگینامه است. تذکره نقل مجلس، که در سال ۱۲۴۱ ق محمود میرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ق) آن را نوشته، در چهار مجلس (فصل) است: «مجلس اول، شاهزادگان؛ مجلس دوم، بزرگیان حرمسرای شهنشاه عالم‌پناه (فتحعلی شاه)؛ مجلس سوم، شعرای نسوان بلاد ایران زمین؛ و مجلس نازده شعرای نسوان که در روزگار سلف بودند» و در مجموع شرح حال ۳۲ زن شاعر را در بر دارد.

تاریخ عضدی، نوشته احمد میرزا عضدالدوله (۱۳۱۹ ق) گرچه زندگینامه خود نیست است، اما چون مؤلف در این کتاب عمدتاً به شرح زندگی زنان فتحعلی شاه می‌پردازد، می‌توان گفت که اثر او از شمار فرهنگ زندگینامه‌ای زنان است. اما معروف‌ترین فرهنگ زندگینامه‌ای زنان که در دوره قاجاریه تألیف شده *خیرات حسان*، تألیف محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (۱۳۱۳ ق) وزیر انطباعات ناصرالدین شاه قاجار است. این کتاب که در سه مجلد تدوین شده حاوی زندگینامه زنان نامدار ایرانی، ترک، هندی و حبشی مسلمان و غیر مسلمان به ترتیب حروف الفبا است و از آمنه بنت وهب آغاز می‌شود و با یهیب‌الله الحبشیه به پایان می‌رسد. زندگینامه زنان غیر ایرانی این کتاب عمدتاً برگرفته از کتاب *مشاهیر النساء فی تاریخ*، نوشته محمد ذهنی افندی، فقیه و زندگینامه نویس ترک (۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م) است. تذکره *الخواتین* که در سال ۱۳۰۶ ق به خط میرزا مهدی شیرازی و همت ملک‌الکتاب شیرازی

چاپ و منتشر شده، سراسر برگرفته از کتاب *خبرات حسان* است و فقط تنی چند از زنان هندی و ایرانی بدان افزوده شده است.

کتاب پنج جلدی *رباحین الشریعة*، نوشته ذبیح الله محلاتی نیز زندگینامه زنان است. مؤلف خود در عنوان این کتاب آورده که اثرش را در شرح زندگی زنان دانشمند شیعه نوشته، اما در آن، زندگینامه کسانی آمده است که نه تنها شیعه نیستند، بلکه در وجود تاریخی آنها نیز جای تردید است. این کتاب با زندگینامه حضرت فاطمه (ع) دختر پیامبر (ص) آغاز می‌شود. کاپر شاد سندیلوی، متخلص به مهر (ز ۱۳۱۵ق) کتابی به فارسی به نام *حدیقه عشرت* نوشته که تذکره مختصری در احوال زنان شاعر است. این اثر که در سال ۱۳۱۱ق نوشته شده و در همان سال به چاپ رسیده به ترتیب حروف الفبا تدوین یافته است. سندیلوی کتاب دیگری به نام *تذکره النساء* به زبان اردو نوشته که زندگینامه زنان نامور جهان است. مولوی - غلط عبدالله بلگرامی (- ۱۳۰۵ق) که تألیفات خود را به زبان فارسی، عربی و اردو می‌نوشت، تذکره فارسی در شرح احوال زنان نوشته که دفتر عصمت نام دارد. *اختر تابان*، نوشته ابوالقاسم محتشم سروانی بهمه‌الی نیز زندگینامه زنان شاعر است. این کتاب که در ۱۲۹۸ق نوشته شده و شرح احوال ۸۲ ز سرسبز را در بر می‌گیرد به ترتیب حروف تهجی تدوین یافته است. در سال‌های اخیر نیز کتاب‌های فراوانی در شرح زندگی زنان، به‌ویژه زنان شاعر، به فارسی نوشته شده که از مهمترین آنها *از رابعه تا پروین*، نوشته شاورز صدر، *آثار الحسان*، تألیف حاج میرزا حسن جابری انصاری، *زنان سخنور*، نوشته علی اکبر سلیمی، *پرده‌نشینان سخنگویی*، نوشته ماگه رحمانی افغانی، *کارنامه زنان مشهور ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر*، نوشته فخری قویمی را می‌توان بر شمرد. *از رابعه تا پروین* که در سال ۱۳۳۴ش در تهران به چاپ رسیده، زندگینامه ۱۶۰ بانوی شاعر را در بر می‌گیرد و مؤلف، دیباچه‌ای بر کتاب افزوده که در آن به روشی زنان با مردان در کارهای اجتماعی و سیاسی است. *زنان سخنور* در سه دفتر تدوین یافته و در مجموع ۳۰۷ زندگینامه دارد. این اثر که در سال‌های ۳۷- ۱۳۳۵ش در تهران چاپ شده، به ترتیب حروف الفبا تدوین یافته و منابع هر یک از زندگینامه‌ها نیز در پایان مقاله آمده است. *کارنامه زنان مشهور ایران* در سه قسمت تدوین شده است: قسمت اول، درباره زنان مشهور ایران قبل از اسلام؛ قسمت دوم: زنان مشهور ایران بعد از اسلام؛ و قسمت سوم: زنان مشهور ایران در قرن اخیر است و در مجموع ۲۱۲ زندگینامه دارد.^۱ گرچه نویسندگان تذکره‌ها و زندگینامه‌های فارسی زنان از دیرزمان هر کدام به سهم خویش کوشش از جداری در این زمینه داشته‌اند، اما از نظر اعتبار، سندیت علمی، جامعیت و سبک نگارش متفاوت‌اند.

۱. مطلب حاضر با حذف و اضافاتی برگرفته از مقدمه کتاب زیر است:

انوشه، حسن (به سرپرستی)، *فرهنگ زندگینامه‌ها* (جلد یکم)، ویراستار: سیروس مهدوی، تهران، مرکز فرهنگی نشر رجاء، ۱۳۶۹، صص ۴۱-۴۳.

به استثنای *خبرات حسان* و *کارنامه زنان مشهور ایران* که زندگینامه تعدادی از زنان غیر شاعر و ادیب را آورده‌اند، بقیه تذکرها - چنان‌که انتظار می‌رود - هیچ‌گونه نام و نشانی از زنان غیر شاعر به دست نداده‌اند؛ حتی شرح حال تعدادی افراد از زنان ایرانی و پارسی‌گوی، هیچ‌گاه در تذکره‌هایی که پیش از این بر شمرده شد، نیامده است. به همین جهت، خوانندگان علاقه‌مند ناگزیرند زندگینامه هر کدام از آنها را از میان ده‌ها کتاب خطی و چاپی فارسی، عربی، ترکی و زبان‌های دیگر جستجو کنند. از این رو، تدوین زندگینامه‌ای نسبتاً جامع و مستند از زنان ایرانی و پارسی‌گوی که به نحوی از انحاء منشأ آثار دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، هنری و ... بوده‌اند کاملاً ضروری می‌نمود. نگارنده بر آن بود تا زندگینامه جامعی درباره زنان ایرانی و پارسی‌گوی از نه‌ان اساطیری تا کنون بنویسد، ولی به دلیل گستردگی دامنه موضوع، کمبود منابع تحقیقی، و بضاعت ناگزیر شد دامنه موضوع را از نظر تاریخی، محدود کند؛ لذا دامنه زمانی کتاب، از ابتدای تاریخ ایران باستان آغاز می‌شود و به اوایل مشروطه پایان یافته است و تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد تاکنون چنین کتاب جامعی درباره زنان ایرانی و پارسی‌گوی به رشته تحریر در نیامده است. در میان زنانی که شرح حالشان در این کتاب آمده، شاعران، ادیب، فقیه، محدث، متکلم، مفسر، منجم، طبیب، هنرمند، سیاستمدار، فرمانروا، و فعال سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود.

جغرافیای فرهنگی مورد نظر در این کتاب، ایران، افغانستان، ماوراءالنهر، شبه‌قاره هندوستان، قفقاز، و عثمانی است. بدیهی است این مرزبندی‌های سیاسی و جغرافیایی در طول گذشته مانند امروز نبوده و برخی از آن سرزمین‌ها جزو ایران بوده‌اند.

نویسنده بر آن نبود که فقط زندگینامه مفاخر زنان را بیاورد؛ بلکه از نظر شخصی، اکثر قریب به اتفاق زنان این کتاب - به جز تعداد انگشت‌شماری - جزو مفاخر فرهنگی، ملی، دینی محسوب می‌شوند؛ با وجود این، هیچ‌گونه گلچینی در انتخاب آنان صورت نگرفته است و زندگینامه آنان شیوه توصیفی - همانند شیوه متداول دایرةالمعارف‌ها و زندگینامه‌ها - و تا حد امکان بر اساس منابع اصلی و به‌ر تاریخی، به اختصار آمده است.

* * *

- اصول و ضوابط.** ضوابط کلی‌ای که در تألیف و تدوین و تلخیص شرح حال‌ها رعایت شده، از این قرارند:
۱. در تدوین زندگینامه‌ها سعی شده از اظهار نظر شخصی خودداری شود.
 ۲. زندگینامه‌ها از منظر توصیفی و براساس اجماع منابع نوشته شده است.
 ۳. در تألیف هر زندگینامه - حتی المقدور - از منابع اصلی و معتبر استفاده شده است.
 ۴. اغلب زندگینامه‌ها کوتاه یا متوسط و بعضاً بلند هستند. حجم مقالات نیز منحصرأ متناسب با اهمیت تاریخی صاحبان زندگینامه‌ها نیست، بلکه با تعدد و تنوع منابع هم ارتباط دارد.

۵. سطح علمی مقالات، ساده و قابل استفاده برای عموم تحصیل‌کردگان است.

دامنه و شمول: چارچوب کلی زندگینامه‌هایی که در این کتاب آمده به قرار ذیل است:

۱. زنانی که در قلمرو جغرافیای سیاسی تاریخی ایران می‌زیسته‌اند.
۲. زنانی که در خارج از جغرافیای سیاسی تاریخی ایران زندگی می‌کرده‌اند، اما آثاری به زبان فارسی پدید آورده‌اند، یا زنان فارسی‌زبانی که موجب اقدامات سیاسی، اجتماعی، ... بوده‌اند.
۳. زنان غیرایرانی‌ای که در ایران منشأ آثار سیاسی و اجتماعی مثبت یا بعضاً منفی بوده‌اند.
۴. زنان نقل‌آفرینی که مولد و موطن آنها معلوم نیست، اما پدر یا تبار ایرانی داشته‌اند.
۵. زنان غیر ایرانی شهرو که در ایران مدفون هستند و مزار آنان در نزد مردم ایران محترم و مقدس بوده است.

مدخل‌ها: مدخل یا حروف درشماره از متن و در اول سطر چاپ شده است. مدخل‌ها کلیدبازایی

اشخاص در کتب مرجع و از جمله کتاب حاضر هستند. مدخل‌های کتاب بر دو نوع‌اند:

۱. مدخل‌های اصلی، که ذیل آنها زندگی‌نامه‌های کوتاه، متوسط و بلند آمده است. هر مدخل، مشهورترین اسم شخص (اسم شهر) است که در اغلب منابع آمده و از میان اسامی متعدد وی انتخاب شده و ممکن است تخلص، لقب، کنیه یا اسم او باشد. در موارد متعددی نام زنان، معلوم نیست، بلکه در انتساب به پدر، همسر، برادر یا پسر نام در منابع تاریخی شناخته شده‌اند. در این موارد به جای کلمات بنت، زوجه، اُخت، و اُم، به ترتیب برابر معادل فارسی آنها: دختر، همسر، خواهر، و مادر استفاده شده است. در برخی موارد که استثنای همان نام اصلی شهرت داشته‌اند، همان اسم انتخاب شده است. البته برای زنانی که با اسم و کنیه داشته‌اند یا فقط با نام کنیه مشهور بوده‌اند، همان کنیه به عنوان اسم شهر انتخاب گردیده است.

۲. مدخل‌های ارجاعی، که ذیل آنها مطلبی نوشته نشده و خواننده را به مدخل انتخاب‌شده دیگری (مدخل اصلی) که پس از علامت ← (نگاه کنید) آمده، راهنمایی می‌کنند. چون تا قبل از ۱۳۰۴ش نام خانوادگی معمول و مرسوم نبوده، لذا تعدادی از زنانی هم که پس از مشروطه نام خانوادگی داشته‌اند و بدان نام مشهور شده‌اند، نام خانوادگی‌شان مدخل ارجاعی قرار گرفته و به نام کوچک آنها ارجاع شده است.

شیوه تنظیم: منظور، روش بازیابی مدخل‌ها در کتاب است. قواعدی که در این باره رعایت شده، از این قرارند:

۱. مدخل‌ها به ترتیب حروف الفبای اسامی شهر مرتب شده است.
۲. حرف «ه» در آخر اسامی عربی، هرگاه در زبان فارسی هم به همان صورت نوشته شود، از نظر ترتیب الفبا، «ه» محسوب شده است.
۳. حرف «ة» در آخر اسامی عربی، هرگاه در زبان فارسی به صورت «ت» نیز نوشته شود، از نظر ترتیب الفبا، «ت» - سبب شده است.
۴. حرف «ال» در ابتدای نام‌های عربی به حساب نیامده ولی در بین کلمات محسوب شده است.
۵. اسامی مشابه به ترتیب تقدم زمانی قرار گرفته‌اند. اسامی زنانی هم که تاریخ زندگانی‌شان معلوم نبوده است، در ردیف الفبایی مرد و پس از اسامی دارای تاریخ آمده‌اند.

اختصارات: علائم اختصاری به کاررفته در کتاب عبارت‌اند از:

ش	هجری شمسی
ق	هجری قمری
م	میلادی
ق.م	قبل از میلاد
ز	زنده در
ح	حدود
—	(بین دو عدد) تا
/	(بین دو عدد) تا، یا
*	(در متن) مدخل اصلی
←	نگاه کنید به

اعدادی که در دو طرف - (خط فاصله) قرار گرفته‌اند، در مورد پادشاهان، امرا و فرمانروایان به معنای آغاز و پایان سلطنت و فرمانروایی، و در مورد دیگران به معنای تولد و وفات است.

کتاب‌شناسی: منابع هر زندگینامه، در پایان آن با حروف ایرانیک آمده است. اطلاعات هر کتاب‌شناسی

شامل عنوان مختصر، جلد و صفحات است. مثلاً *الذریعة*، ۴۰۰/۹-۴۰۲، به معنای کتاب *الذریعة*، جلد ۹، صفحات ۴۰۰ الی ۴۰۲ است، و گنجینه *آثار تاریخی اصفهان*، ۱۵۸،۵۰۵،۷۳۶ به معنای آن است که مطالب زندگینامه در صفحات متناوب که با علامت مکث (،) مشخص شده‌اند، آمده است. در صورتی که دو یا چند کتاب، یک عنوان داشته، یا یک عنوان کتاب، چند مترجم یا ویراستار داشته باشد، پس از عنوان، نام مؤلف در داخل هلالین آمده است، مانند: *تاریخ قم* (حسن بن محمد بن حسن قمی) و *تاریخ قم* (ناصرالشریعه). در مورد مقالات، به ترتیب: عنوان مقاله (در داخل علامت نقل قول « »)، عنوان نشریه (با حروف ایرانیکی)، دوره نشریه، شماره نشریه و عدد صفحات آمده است. راز «تذکره» نیز از آغاز عناوین کتب حذف شده، مگر آنکه با حذف آن، عنوان کتاب نارسا و نامفهوم شود. مثل *تذکره الخواتین و تذکره حسینی*.

* * *

در پایان لازم می‌دانم ر سروزان گرامی جناب آقای حسن انوشه، که علاوه بر راهنمایی‌های سودمند، منابع ارزشمندی معرفی کردند و در اختیار نگارنده قرار دادند، جناب آقای فقیهی، که رهنمودهای ارزنده‌ای ارائه فرمودند، و نیز جناب آقای دکتر غلامرضا تهامی، که علاوه بر ترجمه برخی مطالب ویراستاری [چاپ اول] کتاب را با حوصله و است فراوان به انجام رساندند، تشکر کنم. همچنین از همکاران گرامی خانم‌ها: تهامی، حبیب پور، خجسته، کرم‌رضایی، محمدنبی، و نظری که در یادداشت‌برداری از منابع به این جانب کمک کردند، و سرانجام فاطمه پورامید که با دلسوزی و جدیت تمام با نویسنده همراهی کردند و کتاب‌شناسی کتاب حاضر را فراهم آوردند تشکر می‌کنم. از مدیران و کارمندان کتابخانه‌های ملی (سی تیر و نیاوران)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، مجلس شورای اسلامی، و مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش رسانه‌های صدا و سیما که همکاری قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند، و نیز از مدیریت مرکز فرهنگی قبله، جناب آقایان محمد رجبی و خیامی، و نیز از آقای رضایی، خانم عابدی و خانم اسماعیلی که در فرصت کوتاه حروفچینی کتاب را با دقت و سلیقه تمام عهده‌دار شدند، و همچنین مدیریت و کارکنان محترم انتشارات سروش که در چاپ و صحافی کتاب کوشیدند سپاسگزاری می‌کنم. از برادر گرامی جناب آقای احمد مسجدجامعی، معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - که تألیف کتاب حاضر به پیشنهاد ایشان انجام شد - کمال تشکر را دارم. اگر حمایت‌های معنوی و مادی آن برادر و تلاش و جدیت همکاران محترم ایشان نبود کتاب حاضر فراهم نمی‌آمد. خدمات دینی و فرهنگی ایشان مأجور باد.

نویسنده بر ضعف و کمبودهای اثر حاضر به خوبی واقف است. با همه لطف و محبت دوستان،

نگارنده علیرغم پیگیری‌های فراوان نتوانست به برخی از منابع مورد نیاز مانند تذکره *اختر تابان*، تذکره *شاعرات*، تذکره *النساء*، و تذکره *نسوان* دسترسی پیدا کند. از خوانندگان محترم تقاضا دارد چنان‌که نسخه‌ای از کتب مذکور و منابع دیگر و منحصر به فردی در اختیار دارند، یا از وجود آنها در کتابخانه‌ها آگاه‌اند، نویسنده را مطلع فرمایند که موجب مزید تشکر خواهد بود.

از سوی دیگر، کاملاً روشن است که تعداد زنان برجسته کشور بیش از اندازه‌ای است که در این کتاب آمده است. زنانی که شرح حالشان در کتاب حاضر آمده، کسانی هستند که به نحوی نامشان در تاریخ، ثبت شده است. هستند زنان نامداری که بنابر ملاحظات عدیده، شرح حالشان در تاریخ نیامده، اما صاحب فضل و کمالات بوده‌اند و آثار ارزشمندی در میان خانواده و بستگان و دوستان، از خود بر جای گذاشته‌اند.

از خوانندگان عزیز تقاضا دارد چنان‌که در میان خاندان خود از وجود چنین زنانی (از گذشته تا دوره مشروطه) اطلاعات متبر و رفقی در دست دارند، شرح حال آنها را برای نویسنده به نشانی تهران، کدپستی ۹۴۵۹۴۳۶۵۳ ارسال فرمایند تا در ویرایش بعد مورد استفاده قرار گیرد. نام فرستنده نیز به‌نشانه سپاسگزاری در پایان شرح حال غرضمند آمد.

وَمِنْ اللَّهِ التَّوْفِيقُ وَ عَلَيْهِ التَّكْلَانِ
محمدحسن رجبی ۱۳ مهر ۱۳۷۴